

لایحه

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران شنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۳ - ۷ محرم ۱۴۴۶ سال بیست‌وششم - شماره ۷۰۷۴ - ۱۶ صفحه قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سر مقاله
رسول سنائی‌راد

تصویری از ارزش‌های مشترک پزشکیان و رئیسی

آقای دکتر پزشکیان، منتخب مردم برای ریاست جمهوری چهاردهم که این روزها مشغول چنین‌اش اعضای کابینه، تعیین اولویت‌ها و برنامه‌ریزی برای شروع به کار دولت خود از نهم مرداد ماه است، گرچه در دسته‌بندی‌های سیاسی و نگاه به حامیان و طرفداران در زمره اصلاح‌طلبان قرار می‌گیرد -هرچند که خود او بارها تأکید داشته حزبی نیست- اما پاره‌ای از مواضع و رفتارش تصویری متفاوت از عرف معمول در اصلاح‌طلبان را از او به نمایش گذاشته است. رئیس‌جمهور منتخب مردم در همان روزهای نخست پس از انتخابات در نامه به سید مقاومت، سید حسن نصرالله، بر حمایت همه‌جانبه‌اش از مقاومت و ایستادگی در برابر صهیونیسم توسعه‌طلب تأکید داشته و در پاسخ به پیام تبریک اسماعیل هنیه ادامه حمایت همه‌جانبه از ملت مظلوم فلسطین تا احقاق کامل حقوق آنها را به صراحت یادآور شده است | **صفحه ۴**

ویژه جوان

توجیه سهم‌خواهی اصلاح‌طلبان در روزنامه اعتماد

سهم خواهی اصلاح‌طلبان از کابینه دولت مسعود پزشکیان موضوعی است که در هفته گذشته مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت و روزنامه جوان هم در همین ستون به آن پرداخت. اصلاح‌طلبان که فضا را علیه خود دیدند، در صدد رفع اتهام برآمدند، اما سانه به این شکل که بگویند دنبال سهم خواهی نیستیم و آن را تکذیب کنند، بلکه می‌گویند سهم‌خواهی یک امر مرسوم و طبیعی است. روزنامه اعتماد ضمن بیان مرسوم بودن سهم‌خواهی، تأکید کرده که اصلاً پزشکیان راهی برای شناخت همه‌ظرفیت‌های کشور و استفاده از آن ندارد!اعتماد سهم‌خواهی را هم عادی‌سازی کرده و نوشته: «پدیده سهم‌خواهی سیاسی در چنین کابینه و برخی مسئولیت‌های اصلی دولت کمابیش در همه دولت‌ها وجود دارد و همه رؤسای جمهوری نیز تا حدی به این سهم‌خواهی‌ها تن می‌دهند» | **صفحه ۲**

یادداشت بین‌الملل
حنیف غفاری

نفرت به جای رقابت برای انتخابات نوامبر

جو بایدن، رئیس‌جمهور ناتوان و فرتوت امریکاروزهای خوبی را سپری نمی‌کند!او از سوی برخی سران و شخصیت‌های مطرح حزب دموکرات بابت کناره‌گیری از ادامه حضور در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری ماه نوامبر تحت فشار قرار گرفته است. مهم‌تر اینکه برخی سناتورها و نمایندگان حزب دموکرات در کنگره نیز به کارزار جایگزینی بایدن پرداخته و حتی بر سرر جانشینان احتمالی وی مشغول رایزنی و لابی‌گری هستند. اما آنچه در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری ماه نوامبر در امریکا نمود دارد، تیلور نفرت به جای رقابت است. طرفداران ترامپ نسبت به انتخابات ریاست‌جمهوری پیش رو به مثابه آخرین فرصت برای بازگشت به قدرت می‌نگرند | **صفحه ۱۵**

یادداشت ورزشی
فریدون حسن دبیر گروه ورزشی

۴ماه برای تشخیص حال بدوالیبال!

والیبال ایران افت کرده است. والیبال همچنان در یاد موفقیت‌های سال‌هایی که کم‌کم باید از واژه «مور» برای آن استفاده کرد خوابیده است، درست مانند فوتبال که به اشتباه هنوز خود را آقای آسیا می‌داند. میلاد تقوی به عنوان مدیری که سال‌ها در فدراسیون والیبال حضور داشته و با شرایط کاملاً آشنا بوده است در این چهار ماه باید برای اصلاح وضعیت والیبال کار می‌کرده، نه اینکه امروز بیاید و از خوب نبودن حال والیبال بگوید. جناب رئیس! همه خوب می‌دانستیم و می‌دانیم که حال والیبال خوب نیست، سؤال این است که شما طی چهار ماه اخیر چه کرده‌اید که حال والیبال ایران بهتر شود؟ | **صفحه ۱۲**

مباهله باشش ماهه‌ها

● **جواد محرمی** | دبیر گروه فرهنگی

■ **کودکان امروز به بزرگ‌ترین نماد سپاه مؤمنین در دنیا تبدیل شده‌اند.** از غزه و قدس تا صنعاء و تهران این کودکان هستند که برای خصم رجز می‌خوانند. ماشش‌ماهه‌ها بمان را روی دست می‌گیریم و حماسه می‌خوانیم. رجزهایی مادرانه برای مباحله مقابل کفر و نفاق. این نوشکوفه‌ها دست‌کم یک دهه است با مادرانشان به نماد صبر و مقاومت در ایران و جهان تبدیل شده‌اند. آن‌روز که دشمن تیغ سه‌شعبه بر گلوئی آن در دانه تشنه لب‌زد، مسیر امامت را پایان یافته تلقی می‌کرد اما حالا پس از ۱۴۰۰ سال مادران در پهنه‌ای به بزرگی ایران از آن واقعه الهام می‌گیرند و اینچنین با صلابت برای دشمن رجز می‌خوانند: «بیابید حریف‌شما ما هستیم»!سپاه کفر معنای این رجز خوانی را خوب می‌فهمد. امروز علی‌اصغر در تمامی جهان تکثیر شده است.مادران مرام مبارزه را با عجبین کردن اشک‌روضة وشیره جان به فرزندان می‌نوشانند تااز ایشان مردانی استوار علم‌کنند. حکایت‌شش‌ماهه‌های لشکر ایمان شوق انگیز، الهام‌بخش و نویددهنده است. پیام این غنچه‌ها روشن و صریح است. ما آماده‌ایم برای یک صف آرایی عظیم!با بهترین داشته‌هایمان به میدان آمده‌ایم. پیشوای ما حسین‌بن‌علی علیه‌السلام است. حسین زنده است. علی‌اصغر زنده است و بزرگ‌ترین دلخوشی و دلگرمی ما این است که «ما ملت امام حسینیم»

نوی لالایی به یاد دردانه امام حسین (ع)

همدردی با حماسه‌ساز کوچک کربلا در بیش از ۸هزارو۵۰۰ نقطه ایران و ۴۵ کشور جهان

● **مهساگریندی** | خبرنگار گروه اجتماعی |صفحه ۳



«بریکس» علیه دلار رسمی

قالیباف: «دلارزدایی» فشار امریکا بر اقتصادهای نوظهور را قطع خواهد کرد



● **خسرونگر** | خبرنگار گروه اقتصادی

■ **محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی که برای حضور در اجلاس بریکس به شهر سن پترزبورگ روسیه سفر کرده است، عصر پنج‌شنبه در حاشیه این اجلاس با ولادیمیر پوتین دبیدار و گفت‌وگو کرد | صفحه ۶**



● **دکتر پزشکیان با حضور در منزل شهید رئیسی از تلاش‌های ارزنده و فراموش‌ناشدنی ایشان در خدمت به مردم و پیشرفت کشور قدردانی کرد**

پاسخ مثلث «مسکو، تهران و پکن» به لفاظی ناتو

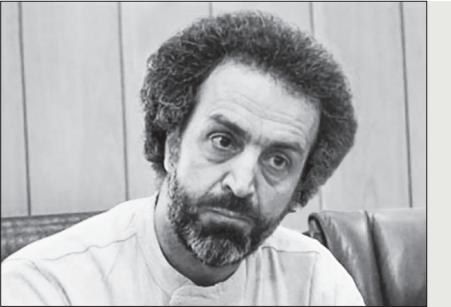
■ **ممسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور منتخب در دو سه روز گذشته روزهای پرکاری را پشت سر گذاشت.** ۷ مرداد مراسم تنفیذ و ۹ مرداد مراسم تحلیف بر گزار می‌شود و پزشکیان رسماً زمام‌امور را به دست می‌گیرد. آن چیزی که از سخنان خود پزشکیان و مشاوران برمی‌آید «دولت مسعود» را باید دولت رواداری دانست. زمانی که در مناظرات انتخاباتی در دور دوم، یکی از رقبا او را متهم به حزبی بودن کرد واکنش پزشکیان جالب توجه بود. او چنان برافروخته شد که حزبی بودن را یک تهمت تعبیر و توصیف کرد. پزشکیان باره‌این اتهام را در مناظره انکار کرد و از انکار حزبی بودن خود خسته هم نشد. بعد از انتخابات هم همین روند مشاهده شد. اکنون هم گویی استراتژی و ریل حرکت دولت چهاردهم رواداری سیاسی است، هرچند قضاوت در این زمینه تا تشکیل کابینه چهاردهم کمی زود است | **صفحه ۲**



النیو و گازهای گلخانه‌ای بازیگران اصلی رکوردشکنی تاریخی دمای کره زمین هستند

● **زهرا چنبری** | خبرنگار گروه اجتماعی

■ **احد وظایف، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور در گفت‌وگو با «جوان» النینو به طور معمول باعث گرم‌شدن آب‌های اقیانوس آرام می‌شود و اثرات آن که به واسطه استفاده از سوخت‌های فسیلی منتشر می‌شوند و در سال‌های اخیر به شدت انتشار این گازها افزایش داشته‌است. این گازها عامل اصلی گرمای زمین هستند، چراکه گرم‌سای زمین را از توازن خارج می‌کنند | صفحه ۳**



شمارد این روستا چطور روشنفکر شدید؟!

■ **غلامرضا صادقیان**

محسن زنای، استاد اقتصاد در دانشگاه اصفهان، در مطلبی با عنوان «روستای نصف‌جهان»، اصفهان را به این دلیل که رأی جلیلی در این شهر بالاتر بوده، با تحقیر، «روستا» نامیده است! نوشته و ادعای او از آن مطالبی است که بدون اطلاع از محتوا و استدلال آن، می‌توان آن را رد کرد و فاقد ارزش دانست. پس روی سخن با ایشان نیست، بلکه با جبهه روشنفکری کشور است که ساکت مانده است، نوعی خفقان که یک بیماری خطرناک است. توجه کنید که خفقان، فحش نیست، فقط یک بیماری است. جبهه روشنفکری نه‌فقط در تمامی اظهار روشنفکری‌ها پشت‌هم هستند، بلکه در حماقت‌ها نیز پشت سر هم هستند!با این حال، ادعای این استاد دانشگاه را با استدلال‌های ضعیف و منطخ نوشته‌اش مردود می‌دانیم نه با چیز دیگر. او یادآور شده که مقاله «روستای نصف‌جهان» را در جوانی نوشته و تاکنون جرئت انتشار آن را ندانسته‌ام! «مرکز که ترکیب آرای اصفهان در انتخابات چهاردهم را دیدم و با آرای دیگر استان‌ها مقایسه کردم، داغ آن مقاله‌ام تازه شد.» چه استدلالی! فرمایه و بی‌معنی! هم دروغ، هم فاقد ارزش. اول، از چه زمانی نژادپرستی و قومیت‌گرایی و تجزیه‌چی بودن، استدلال شد؟! چطور رای یک ملت را تقسیم به شهرها و قومیت‌ها و روستاها می‌کنید تا نتیجه بگیرید که کدام بد است و کدام خوب؟! دوم، چطور برای شما مسلم شد که رای به یک نامزد در مقابل رأی نامزد دیگر، یعنی حشرات؟! آن هم با استعاره‌گر رفتن از نام روستایی بودن؟! با این استدلال، کل امریکا که به ترامپ رأی داد و صدای روشنفکری جهان را درآورد، یک روستاست! و هرپار که در فرانسه قدرت کلامی چرخد و راست‌ها رأی می‌آورند و موجب رنجش روشنفکران چپ می‌شوند، فرانسه یک روستای می‌شود! سوم، هرچند مقایسه، غلط و مذموم است اما رأی اصفهان با کدام استان‌ها مقایسه شده است؟ ۱۵ استان دیگر که ستون تمدن چندهزارساله ایرانی روی دوش این استان هاست، مانند فارس و یزد و کرمان و خراسان نیز مانند اصفهان رأی داده‌اند، پس چرا برای اینکه در پیری یاد مقاله جوانی شود، دروغ هم می‌گویند و رجز تجزیه‌چی‌های را می‌خوانند و ایران را به چنداستان با آرای متفاوت تقسیم می‌کنند؟! به اصفهانی‌ها می‌گویند قبیله‌ها! اما خودشان سال‌هاست تا گردن در خمره خودپرستی و قبیله پرستی فرو رفته‌اند تا جایی که هرکس مثل آنها فکر نکرد و با آنها در خمره نبود، پس روستایی حقیری است! به اصفهانی‌ها می‌گویند «لق نگاه‌تان کوتاه است» (و در واقع به ۱۵ استان تمدن‌ساز ایران!) درحالی که خودشان نمی‌توانند رأی مردم را در اقل ایران ببینند، نه در اقل یک استان! این عبارت که در اصفهان «تکان می‌خوری به در دیوار برمی‌خوری و صدای عدای درمی‌آید» با عرض معذرت فقط می‌تواند تجربه شخصی یک نامتعادل باشد، و نه چیزی بیشتر.

استدلال‌های ایشان از انحطاط استدلال آوری خبر می‌دهد. گفته‌اند اصفهان شهر دوم کشور است اما برخلاف پاریس که روزی ۲۵۰ تئاتر در آن اجرا می‌شود، تئاتر ندارد! خیلی زود تفکر غریزه را لو دادند. از تمامی هنرها و شگفتی‌سازی‌های مردمان نصف‌جهان که بگذریم، اصفهان فقط ۲۰۰ صنایع‌دستی از مجموع صنایع‌دستی شناخته‌شده اصلی جهان را که کمی بیش از این مقدار است در محدوده میدان نقش جهان، فرماندهی می‌کند. برخی آثار قلم‌زنی و ساخته دست اصفهانی‌ها قابل‌قیمت‌گذاری به هیچ بهای مادی نیست. آن وقت چشم خود را روی این می‌بندند و از تئاتر و پاریس می‌گویند؟! دوباره با تشکیک در دلایل دفن نشدن یک شرق‌شناس در ساحل زاینده‌رود، نشان می‌دهند اما یک تجربه توهین به اصفهانی‌ها برای تقدیر از غربی‌ها در نظر ایشان آسان است. اگر حالا با این حد‌ز غر ب‌گرای، از خود پاریسی‌ها بپرسند اصفهان را با آری به نامزد ریاست‌جمهوری می‌شناسید یا با تمدن بسیار قدیمی و مسجد عتیق هزار ساله یا با تمدن صفری و حکمرانی بر نیمی از جهان تمدن آن روزگار یا با هنر و معماری‌های تکرار‌ناپذیر آن، آیا از غربی‌ها پاسخ می‌شوند که نه! اصفهان را با آری که برخلاف میل یک استاد دانشگاه داده‌اند، می‌شناسیم و معتقدیم به همین دلیل یک روستا و مردمانش فاقد اقلی بیش هستند؟!

استدلال دیگر را وارونه القا می‌کنند. گفته‌اند اصفهان بزرگ‌ترین شهر صنعتی و گردشگری کشور است اما روزی کمتر از ۵۰ پرواز دارد! آیا این پرواز کم‌موجب شده صنایع اصفهان تعطیل شود یا از گردشگری بیفتد یا به‌رغم کمی پروازها که دلایل تحریمی دارد، اینکه هنوز گردشگران در اصفهان هستند و صنایع کار می‌کنند، یک نقطه قوت است؟! استدلال‌های ضعیف و خنده‌آور ایام جوانی که در پیری به آنها می‌بالتد می‌کنار، یک حکایت بدون سند تاریخی نقل کرده‌اند که اصفهانی‌ها ۱۳۰۰ سال پیش در زمان عمرین عبدالعزیز از خلیفه فرصت خواسته‌اند تا قبلی از ممنوعیت امام اول شیعیان، یک دل‌سیر او را لعن کنند! این دیگر فقط خالی‌کردن عقده بر سر مردم اصفهان با دست‌کردن در خمره خردن تارین را می‌بینیم. بیشتر به دعوای لات‌ها جلوی قهوه‌خانه‌ها شبیه است تا استدلال یک استاد اقتصاد.

مشکل اما ایشان نیست که ایشان اگر می‌فهمید، می‌دانست هر کس چه استاد و چه روستایی، در دموکراسی‌ها فقط یک رأی دارد. مشکل جبهه روشنفکری ماست که تاکنون سکوت کرده است. این سکوت به این دلیل است که عمری است با مقالات ایشان در نقد حاکمیت، سر می‌گرداند و حالا این سکوت که ما آن را «خفقان روشنفکری» می‌نامیم، در واقع حاکمیت از یک بيمساری قلبی، مغزی و داخلی روشنفکری ایران دارد. روشنفکری ما سال‌هاست در تأیید و تلهپیر دموکراسی‌ها، دموکراسی را «یک روش معین تا نتیجه نامعین» می‌نامند. (هرچند این تعریف، خیلی هم تعریفی ندارد!) اکنون به همین دلیل نمی‌توانند به همنای لات‌ها جلوی قهوه‌خانه‌ها شبیه را در شهر خود نمی‌پذیری!

روشنفکران ما عموماً ایران را تخطئه می‌کنند و نمی‌گویند در این روستای عقب‌افتاده آنان چگونه به این جایگاه بزرگ عقل و اندیشه رسیده‌اند! چیزی شبیه همان استعاره شغال در خم‌نگری که وقتی از خم درآمد، گفت که «این منم طلوس علین شده!» دوستانتش به او گفتند تو هم مثل ما بوده‌ای اما چرا خودت را حالا برتر از ما می‌بینی؟! «از نشاط از ما کرانه کرده‌ای/ این تکبر از کجا آورده‌ای؟!» و یک شغال دور اندیش به او گفت راستش را بگو آیا حيله کرده‌ای یا واقعاً از کاملاً شده‌ای؟! «شید کردی تا به منبر برچی/ تا ز لاف این خلق را حسرت دهی». به او گفت کندف در بیکاری هستی که می‌خواهی مردمان مثل خودت را حیرت و حسرت بدهی! «بس بکوشیدی ندیدی گرمی/ پس ز شید آورده‌ای بی‌شرمی!» شغال دانا به او گفت هر کاری کردی تا بازار خود را گرم کنی، نشد پس خلق را شید (فریب) می‌دهی و با عبارت‌سازی و بی‌حیایی بازار خود را گرم می‌کنی! این گرمی بازار از کساست است که حالا فرصت رأی مردم را برای پناه‌بردن به بی‌شرمی غنیمت می‌شمرند و این حال روشنفکری بيمار ماست که از درون بيمار و ناخوش است اما ظاهر خود را با این بازار گرمی‌ها خوش نشان می‌دهد! «گرمی، آن اولیا و انبیاست/ باز بی‌شرمی، پناه هر غلست/ که التفات خلق سنوی خود کشند/ که خوشیم و از درون بس ناخوشند»